

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد ظاهر - امریکا

۰۳ فیروزی ۲۰۲۲

جنبش زنان و طالبان

بخش اول

صد سال قبل جرقه های آزادیخواهی زنان در افغانستان در دوران شاه امان الله با سهم دادن زنان در تحصیلات عالی، و آزادی حجاب با واکنش های روحانیون سنتی محکوم به شکست شد. اما شعله های این مبارزه خاموش نگردید، در دوره دهه مشروطه شاه ظاهر و حکومت داوود و خلق و پرچم، پویایی خود را توقف نداد. اما در حکومت های بنیادگرایان اسلامی و گروه طالبان این مبارزه بشدت سرکوب و زنان با تهدید شلاق و ترور از آزادی جنسیتی محروم، با پوشیدن حجاب، نداشتن حق تحصیل در خانه زندانی شدند. در دو دهه اخیر زنان در دموکراسی امریکائی، با وجود تاریک اندیشان نکتائی دار و پکول پوش، لنگی به سر «مجاهد» این تطبیق گران فقه و شریعت اسلامی، که نصف یا پنجاه در صد قدرت به این اسلام گرایان، سهمیه بخشی شده بود و هم چنان سنت و فرهنگ کهنه قرون وسطائی پایدار و مسلط در جامعه افغانستان، دوشادوش امنیت زدگی و جنگ، زنان به طور نسبی از آزادی های مدنی، فردی، آزادی بیان، برابری طلبی، عدالت خواهی تا حدود، برخوردار بودند، ولی با وجود آنهم به مبارزه خود ادامه می دادند. با حاکم شدن دوباره طالبان، تیغ برنده قوانین اسلامی و شریعت در افغانستان، بر شاهراگ های گلوی مردم و به خصوص زنان آماده بریدن گردید.

بنابر تفسیر های دینی، مذهبی و سنتی و فرهنگی مروج در جامعه و تطبیق شریعت اسلامی که بر مردم افغانستان تحمیل گردیده است، مسأله زنان است. در قرآن آمده است: مردان را قیم و سرپرست زنان و مسؤول حفاظت از آن ها می داند. مردان مسلط بر زنان و سرپرست ایشان اند چرا که خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری داده است و مردان از اموال خویش به زنان نفقه می دهند پس شایسته و مطیع و حافظان خانه در غیاب شوهر باشند و آنچه خداوند به نگهداری آن دستور داده، نگه دارند. حجاب حکم قرآنی است و مسلمان با حکم قرآن مخالفت نمی کند.

آنچه در قرآن آمده و قرنهاست حاکمان به وسیله ملاها و روحانیون آن را توضیح و تشریح و به گوش مردم افغانستان زمزمه نموده اند، این است که، مرد را سالار و حافظ زن و خانه، و زن را برده و مقید مرد و جایگاهش را چهار حصار خانه دانسته اند. چون خداوند یکی را بر دیگری برتری بخشیده است؟! پس زنان بنابر اصل قرآن و شریعت از حق تحصیل، رفتن به مکتب و حاصل کردن علم و دانش و آزادی خارج از منزل محروم گردیده اند. طالبان با تسلط

دوباره بر حاکمیت سیاسی افغانستان، زنان را مطابق شریعت اسلامی، خانه نشین ساخت و از حق کار، تحصیل و آزادی محروم گردانید.

بانوان فرهیخته جنبش زنان افغانستان، همانگونه که در نظام های قبلی برای حقوق زن در جامعه رزمیده بودند، در نخستین روزهای حاکمیت طالبان، به خاطر اعاده حقوق بحق زنان با فریاد شعارهای، کار، تحصیل و آزادی به جاده های شهر ریختند و دست به اعتراض زدند. پایه های رژیم گروه طالبان را به لرزه درآوردند، زنان مورد لت و کوب و ضرب و شتم و قنطاق ماشیندار افراد مسلح طالب قرار گرفتند که جراحات روی بدن شان هنوز هم جسم زخمین شان را ناراحت می سازد، این بانوان مبارز بدون هراس و با احساسات پر شور در جاده های هر شهر فریاد می کشند: ما خواهان عدالت، حق کار و تحصیل، حق شهروندی، مشارکت سیاسی و اجتماعی فعال، برای زنان افغانستان هستیم، ما صدای مردم گرسنه هستیم.

گروه متحجر طالبان آنقدر وحشی و زن ستیز اند که در مقابل هر حرف زن مبارز معترض با شلاق روی شانه اش می زنند، که داغ آن چندین روز کبود می ماند و درد جان سوزش همیشه حس می گردد. زنان شجاع با اعتراضات شان علیه استبداد گروه طالب نشان دادند که حوصله و پایداری شان نسبت به آقایان بیشتر است. در آغاز اعتراضات توقع شان از آقایان، چنین می رفت که در کنار شان بایستند ولی بعدها، نظر به شدت خشونت طالبان به خصوص لت و کوب و زندانی کردن خبرنگاران، زنان درک کردند که آقایان شدیداً آسیب پذیرند و نباید در کنار شان بایستند بلکه منحیث حمایت گر و کمک کننده زنان، از مردان تقاضا کردند که رهنمای شان بوده و بلندگوی صدای زن افغانستان در بیرون باشند. صدای زن را در مدیا و فضای مجازی همسانی کنند و از توهین و تحقیر علیه زنان معترض دست بردارند.

با خشونت بیشتر گروه طالبان حرکت جنبش زنان نیز بیشتر شده رفت با وجود این که تلاش برای از هم پاشی آن می شد ولی از هم نپاشید. این اعتراضات و دادخواهی در موقعیت های مختلف شهر بعد از هر پراگندگی موقت دوباره بر پا می گردید. به عکس، خشونت، فشار و محدودیت طالبان، سبب گستردگی بیشتری مقاومت زنان می شد. با تشکیل گروه های واتسپی و مسنجر اعتراضات بانوان از شهر هرات و کابل بیرون شد و در شهر های دیگر افغانستان، با ایجاد تیم های زنان معترض، دامنه این اعتراضات از لحاظ کمی و کیفی معترضان در اکثر نقاط افغانستان وسعت قابل ملاحظه ای پیدا کرد.

حدود ۹ و یا بیشتر گروههای اعتراضی از زنان در حال حاضر در جنبش زنان مبارز افغانستان سهیم اند، که اکثر این گروه ها مستقل اند، گروه های مستقل توانسته اند که استقلال خود را حفظ کرده و نمی خواهند که با کمک های بیرونی موقف شان میان مردم و به خصوص زنان افغانستان جریحه دار گردد و گروه های معترض دیگری نیز اینجا و آنجا دیده می شوند که آن گروه ها پروژه ئی اند و ارتباطات خارجی، و سیاسی دارند.

آنجائی که اعتراض است، سرکوب و اختناق و ترور نیز وجود دارد. رژیم فاشیستی گروه طالبان، که با تجارب بیست ساله از تاکتیک های استخباراتی آی. اس. آی، برخوردار گردیده اند و با همکاری مستقیم این دستگاه جهنمی از مردم افغانستان و به خصوص زنان افغان انتقام می گیرند، برای خنثی سازی اعتراضات زنان، نخست از زنان برقه پوش که اکثر شان مردان برقه پوش بودند استفاده کرد. آنها را با شعار های اسلامی و خلاف دموکراسی، به جاده ها سرازیر ساخت، که این شیوه کارشان سازگار نیفتاد. طالبان برای ترساندن زنان از فیر های هوایی استفاده کردند و روی جاده پیش پای زنان معترض فیر نمودند، که سبب زخمی شدن عده ای از زنان شهیم و مبارز گردید ولی هراسی در دل شان جای نگرفت و به اعتراض شان ادامه دادند. طالبان برای حذف و انکار زنان برچسپ های گوناگون برپیشانی اعتراض

کنندگان می زنند. دختران معترض را در شهرهای مزار و هرات در خفا ترور نمودند تا ترس و دلهره در بین شان ایجاد کنند. در این آواخر به بازداشت و زندانی ساختن دختر خانمها را شروع کردند. تمنا زریاب پروانی و سه خواهرش (زرمینه، شفیقه، و کریمه)، پروانه ابراهیم خیل، عالیبه عزیزی، و ... بازداشتی هائی اند، که صدای رهائی شان را از زندان طالبان، بانو «هدا خموش» از تریبیون جلسه ناروی، به گوش جهانیان رسانید، ولی چون طالبان گوش شنوا ندارند، از زندانی شدن بانوان انکار ورزیدند.

هدف گروه طالبان از دستگیری و بازداشت معترضان زن چیست؟ با این تیر که آخرین تیر خواهد بود گروه طالبان می کوشند صف مبارزه زنان مبارز را بشکنند. آنها با شناختی که از سنت و فرهنگ مروج در افغانستان دارند، و به خصوص این که هرگاه دخترخانمی در چنگال اهریمن مرد بیفتد، برای خانواده او ننگ و عار شمرده می شود. پدر، برادر و شوهر زن زندانی شده، این عمل را آبرو ریزی، توهین و تحقیر به خانواده خود می پندارند، و برای حفظ آبرو و ناموس شان می کوشند و برای حفظ آبروی خود و فامیل شان از کشتن دختر، خاتم و یا خواهر شان دریغ نمی ورزند.

قراری که روایت ها نشان می دهند، طالبان با همدستی آی. اس. آی، خانواده ها و مردم را می ترسانند. آوازه هائی را پخش می کنند که بالای دختران بازداشت شده در زندان چه صورت گرفته است. در مساجد تبلیغ می کنند که اگر دختر، خانم و یا خواهر معترض تان را مانع رفتن به مظاهرات نشوید چنان بلائی را، بالای تان نازل کنیم که در عمر تان ندیده باشید. این پروپاگند های طالبان و طرفداران شان و تبلیغ چی های آی. اس. آی، سبب گردیده که والدین، دختر های شان را از رفتن و سهم گرفتن در مظاهرات مانع شوند، دکانداران به معترضان زن یا سودا نمی دهند و یا آنها را فوراً از دکان خارج می کنند. خواهر خوانده ها و اقوام زن معترض از نشست و برخاست از او دوری می جویند. تکسی درایور ها آنها را در موتر هایشان نمی برند. این برخورد ها، روان بعضی زنان معترض را مخدوش ساخته و با خود فکر می کنند که با این عمل شان سبب بد نامی پدر، مادر، خواهر، خانواده، قوم، کوچگی و هشری ... خود گردیده اند، و آهسته آهسته از اعتراض دست کشیده و کنار می روند.

چگونه این ترسی که باعث روی گردانی مردم از زنان مبارز می شود را از بین برد، تا از اعتراض کنندگان متنفذ نه شوند؟

ادامه دارد

از منابعی که در این نوشته استفاده گردیده است:

«جایگاه زن در اسلام تا چه اندازه است؟» (مجموعه متفرقه دینی) «بیئوبه» (ایرانی)

«رویاری با طالبان» روزنامه صبح کابل نویسنده: ناظر شهیر

روایت های بانوان، اشتراک کننده در اعتراضات ضد طالبان، در زوم «گروپ گفتمان...»

۳۱ جنوری ۲۰۲۲